

قدم در اندیشه‌های شنی

سارا بدوی

انتشارات

سرشناسه: بکری، سارا.

عنوان و نام پدیدآور: قدم در اندیشه‌های شنی / سارا بکری.

مشخصات نشر: ایلام: انتشارات زانا، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۸۰ص، ۱۴/۵* ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۰۶-۹۵-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

موضوع: نثر فارسی - قرن ۱۴

موضوع: کمینه‌گرایی (ادبیات) - ایران

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ق ۴ ک ۴ / PIR۸۳۳۵

رده‌بندی دیویی: ۸۶۲/۸۶۸

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۴۸۷۰۲



قدم در اندیشه‌های شنی

سارا بکری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۰۶-۹۵-۴

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰

طرح جلد: کیوان محمدرحیمی

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

ناشر: ایلام، خیابان عاشورا، کوچه‌ی سوم. تلفن: ۰۹۱۸۳۴۱۲۴۵۴

فهرست

۹	مقدمه
۱۱	مردی از آن مردها
۱۳	محبت
۱۴	نجوای ساحل آرسن
۱۵	مقصد ناپیدا
۱۶	دلدادگی
۱۸	تنگنا
۱۹	تا ناخدا شدن
۲۰	یک‌رنگی
۲۱	دل‌تنگ دیدار
۲۲	دلهره‌ی تاریکی
۲۳	دیو جدایی
۲۳	دل‌تنگ
۲۴	تو نیستی
۲۴	بال می‌خواهم
۲۵	ترجمان پاییز
۲۶	حس مرگ
۲۷	گل نارسیس
۲۷	حس غریب
۲۸	خانه‌ی دوست کجاست

۲۹		دل‌م می‌خواهد
۳۰		ناخدای محبت
۳۱		مرا با خود ببر
۳۲		زیبایی‌های زندگی
۳۳		تک‌چراغ کوچه‌های تنهایی
۳۴		مبادا
۳۵		معجزه
۳۶		قاضی اسما
۳۷		زودتر بیا
۳۸		عروس
۳۹		پرندگان دل
۴۰		تحمل
۴۱		بال پرواز
۴۲		قدرت
۴۳		وقتی تو هستی
۴۴		فرشته‌ی کوچک
۴۵		امن‌ترین جا
۴۶		آخرت
۴۷		بازی زندگی
۴۸		دست‌های معشوقه
۴۹		قصر دل
۵۰		خاطرات دوست
۵۱		یکی هست
۵۲		بی‌تو
۵۳		کاش صدایم می‌کردی
۵۴		گریه‌ی ماه
۵۵		دوستی خدا

- ۵۶ یاد دوست
- ۵۷ بوی خدا
- ۵۸ چشم به راه
- ۵۹ کاش بمانی
- ۶۰ غریبه‌ی آشنا
- ۶۱ چه داریم
- ۶۲ رختی که تو هستی
- ۶۳ من بودم و
- ۶۴ عشق یعنی
- ۶۵ مهدی جان
- ۶۶ تکیه‌گاه
- ۶۷ محبت
- ۶۸ دلم می‌خواهد
- ۶۹ نواز شرگر قلب
- ۷۰ تحمل
- ۷۱ این جا که من هستم
- ۷۲ حس دلنشین
- ۷۳ زمستان
- ۷۴ طلوع
- ۷۵ عروسکم بخواب
- ۷۶ تشنه‌ام
- ۷۷ تو قلبانت را

مقدمه

احساسم را در جان قلم ریخته و قلم را به دست سطرها و ورقه‌های معصوم سپرده‌ام. سطرها یک در میان، طی می‌شوند و کلمات یک‌ریز بر سطح صفحه می‌بارند. گاهی خورشید از لابه‌لای ابرها سرک می‌کشد و پرتو لبخندش را در حوضچه‌ها، احساسم می‌پراکند. سطری می‌خندم، سطری دیگر اشک می‌ریزم و در سطر بعدی بغض‌هایم را کال کال در نقطه‌ای مبهم چال می‌کنم.

گاهی زندگی را زلال، در بستر عشق روانه می‌کنم و گاهی نیز عشق را به دست باد می‌سپارم تا در کوه‌های مجاور بپراکند.

پنجره‌ها را رو به دریا و رؤیا می‌گشایم. پرنده‌ای از لای کلماتم بال می‌کشد و در آسمان خیال اوج می‌گیرد و در دوردست‌ترین ستاره لانه می‌کند. گاهی نیز نُت زمزمه‌ای رازناک، از نیِ نایمِ پرمی‌کشد و در هوای شرجی جنوب چشمی خیس، به ترنم، نغمه می‌شود.

کتابی، پیش رو گشوده‌ام؛ واژه به واژه، جان را در سطرهایش تزریق کرده‌ام. برخی جاها، گلی سرخ، بعضی جاها، گلی بنفش و در جاهایی نیز عطر نفس‌های بهار را کاشته و پراکنده‌ام. هر جا کلمه‌ای ست، دلی را گرو، جا گذاشته‌ام. خوب یا بد، مهم نیست؛ همین که خودم را بر صفحاتش گریانده و خندانده‌ام کفایت می‌کند. باشد تا در این احساسات رقیق، همراه و همقدم باشید.

سارا بکری